

## سرمقاله

# آرمان فقه مقارن

عابدین مؤمنی<sup>۱</sup>

از زوایای مختلف می‌توان فقه مقارن را دید. ممکن است هدف بعضیها از برقراری مقارنه میان مذاهب مختلف فقهی، نمایاندن قوت و رجحان فقه مذهب خودشان باشد؛ چنان‌که بسیاری از صاحب‌نظران و نویسندگان بلندپایه مذاهب، در آثار فقهی خودشان آرا و نظریات ائمه دیگر مذاهب را مطرح و در نقل نظریات و آرای آنها چنان زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی می‌کنند که وقتی شرایط نقل آرای دیگر ائمه فقهی رسید، آرای آنها در آن شرایط و با آن زمینه‌سازی، به‌گونه‌ای نشان داده می‌شود که بسیار رأی نامربوط، سخیف، ناپسند و ضعیف دیده می‌شود، به‌اندازه‌ای آن رأی، ضعیف و ناپسند نمایانده می‌شود که در خواننده آن اثر فقهی، این احساس پدید می‌آید که آیا ممکن است فردی به‌اندازه‌ای تنزل نماید که آن مطلب بسیار سطحی و ناپسند را به زبان آورد و آرای مذهب خود را چنان پرطمطراق و عالی مطرح می‌کند که در خواننده این حس به وجود می‌آید که از آن سخنی بالاتر نمی‌شود گفت. مباحث را به این شکل مطرح کردن، در واقع نوعی خودشیفتگی و خودنمایی است که با رویکرد به فقه مقارن خودش را معرفی می‌کند و هنر خود را آگاهی بر آرای خلافیه و نمایاندن زبردستی خود در ارائه قوی فقه مذهب خودش می‌داند.

گروهی دیگر هدفشان در برقراری مقارنه میان فقه مذاهب، معرفی ائمه مذاهب و معرفی فقه مذاهب اسلامی است؛ چنان‌که ابن‌رشد اندلسی در کتاب *ارزشمند بدایة المجتهد و نهایة المقتصد* این شیوه پسندیده را پیمود. ابن‌رشد با طرح مسئله و ریشه اختلاف در استنباط حکم، به بیان آرا و نظریات ائمه مذاهب پرداخته است. ایشان به مبانی و آرای همه مذاهب اسلامی نپرداخته و کار جامعی انجام نداده است، اما آن مقداری که در کتاب او کار انجام گرفته، کاری پسندیده و مطلوب است. ابن‌رشد در پرتو فقه مقارن، ائمه فقه و مذاهب آنها را معرفی کرده و شناسانده و بی‌طرفی خود را نشان داده است.

گروهی دیگر در تحقیقات فقه مقارن هدفشان بیان سیر تحول و تکامل فقه است و می‌خواهند مشخص نمایند که فقه چه اندازه تغییر و تحول پیدا کرده است. این گروه علت این تغییر و تحولات را در آرای خلافیه و نقد آرای خلافیه جستجو می‌کنند؛ به عبارت دیگر آنان یکی از ریشه‌های تحول و تکامل فقه را نقد فقها به آرای فقهی یکدیگر می‌دانند. حتی اگر در نقد آرای دیگر فقیهان، قصد قربت و رضای الهی هم در کار نبوده باشد، همین که فقها آرای یکدیگر را مورد نقد قرار می‌دهند و در برابر نقد یکدیگر از آرای خود دفاع می‌کنند، سبب می‌شود که اندیشه فقهی تحول و تکامل پیدا کند؛ زیرا در تعارض و اختلاف اندیشه و آرا، اندیشه جدید و نو پدید می‌آید و در سیر پیدایش اندیشه‌ها، یک علم تعالی و تکامل پیدا می‌کند. بر این اساس علامه حلی کتاب *مختلف الشیعه* را در فقه امامیه نگاشته‌اند. در مذهب امامیه فقها در نقد آرای یکدیگر مرسوم‌الید هستند و نقد اندیشه‌ها و افکار، نه تنها مذموم و ناپسند نیست، که حرکتی مفید، مؤثر، ممدوح و نشانه تعالی و کمال رفتاری فقیهان امامیه در قبال یکدیگر است و در پرتو آن، اندیشه‌های جدید فقهی تولید می‌شود.

انگیزه و هدف بعضی دیگر از محققان در حوزه فقه مقارن این است که انطباق اندیشه‌های فقهی با جامعه را بررسی نمایند. ممکن است بعضی دیدگاهها و نظرات فقهی در سیر روزگاران، بسیار بعید و نامناسب و نادرست جلوه کرده باشد، اما در روزگار ما بسیار جالب، مفید و کارگشا به نظر برسد؛ چنان‌که شیخ طوسی در *الخلافا* و سیدبن زهره در *رغیة النزوع*، «عقد استصناع» را مردود و نادرست معرفی کرده‌اند، اما امروزه همین عقد در بانکداری اسلامی جایگاه بسیار والایی پیدا کرده است و می‌تواند در دایر کردن بانکداری اسلامی و معاملات بانکی راهگشا باشد. در آن زمان فقه شیعه به این عقد موضع منفی داشت و در فقه حنفیه عقدی مشروع قلمداد می‌شد؛ ولی امروزه فقیهان شیعه به مشروعیت آن استدلال می‌کنند و آن را یکی از عقدهایی می‌دانند که بانکداری اسلامی بر محور آن امکان تأسیس و دایر شدن پیدا کرده است.

همچنین گاه بعضی افکار و اندیشه‌های فقهی در زمانهای سابق کاربرد مناسب و شایسته‌ای داشته‌اند، اما با تحولی که پیدا شده، دیگر آن فتواها و اندیشه‌های فقهی کارآمدی خود را از دست داده‌اند. این‌گونه فتواها در همه مذاهب فقهی وجود دارد. با این نگاه هیچ فقهی نمی‌تواند بگوید از فقه مذاهب دیگر بی‌نیاز است. آرای که در فقه مذاهب وجود دارند، یکدیگر را کامل می‌کنند؛ چنان‌که شهید سعید سیدمحمدباقر صدر در کتاب *ارزشمند/اقتصادنا* گفته‌اند که گاهی به اقوال و آرای نادر نیاز پیدا می‌کردند و اینکه گاه آن آرا حتی مخالف فتوای خودش بوده است، اما برای بیان نظام اقتصادی اسلامی، آن رأی نادر می‌توانست مفید باشد.

اگرچه شهید صدر آن آرای نادر را از فقیهان شیعه به دست آورده‌اند، چه بسا همان آرا ریشه در فقه مذاهب اسلامی داشته باشند. بر این اساس آنچه می‌تواند آرمان والای فقه مقارن باشد، معرفی یک مذهب فقهی به‌عنوان فقه برتر نیست. در گذشته‌ها چنین رفتاری وجود داشت و بعضی از فقها این‌گونه موضع‌گیری می‌کردند، ولی در شرایط فعلی آنچه مهم است، اینکه بررسی شود کدام نظریه فقهی در عصر حاضر کاربردی‌تر است و قابلیت انطباق بیشتری با جامعه کنونی دارد و بهتر می‌تواند جامعه را مدیریت نماید. با این رویکرد، از کمالات فقه مذاهب اسلامی استفاده می‌شود؛ در حالی که در سابق، کمالات یکدیگر را نادیده می‌گرفتند و ضعفهای همدیگر را برجسته می‌کردند. چرا از کمالات همدیگر استفاده نکنند که موجب کمال جامعه و پیوند عمیق امت اسلامی می‌شود و جامعه اسلامی خواهد درخشید.

در اینجا فرصت را غنیمت شمرده، از اساتید والامقام و ارجمند درخواست می‌شود در حوزه‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، جزایی، خانواده و امثال آن، مجله را یاری نمایند و با مقالات تحقیقی و عمیق خود، بر غنای مجله بیفزایند. دست نیاز به سوی علمای والامقام دراز می‌کنیم و تقاضا داریم به یاری این مجله ارزشمند قیام نمایند که این کار خدمت مؤثری به جامعه اسلامی است. رویکرد مجله کاربردی است و راه خود را در راستای اداره جامعه با محوریت اندیشه‌های فقهی ترسیم کرده است. مجله به تدریج تعالی خواهد یافت. بهتر است تنها به نگارش مقاله‌های نظری بسنده نشود. در صدد این نباشیم که بگوییم در فقه حنفی فلان نظر آمده است و در فقه مالکی فلان نظر؛ بلکه ارزش این نظرها را در اداره جامعه مدنظر قرار دهیم و بکشیم با ارائه مقالاتی کاربردی، کمک کنیم که جامعه با استفاده از احکام الهی اداره شود.

مقصود همه کسانی که نظریه‌های مختلف فقهی را مطرح و آنها را با مبانی قدسی توجیه کرده و از مقبولیت آنها دفاع نموده‌اند، خدمت به دین خداوند متعال و جامعه اسلامی بوده است. به همدیگر احترام بگذاریم. در آرا و اقوال همدیگر مذاقه نماییم. آرای یکدیگر را سبک نشمریم و به سخره نگیریم. همه کمال مال اسلام و متعلق به اسلام است. برای خدمت به اسلام و امت اسلامی برای یکدیگر اهمیت قائل شده، با رویکرد ارزیابی انطباق‌پذیری فتاوی فقهای عظام با جامعه فعلی و عصر حاضر، به آرای یکدیگر توجه نماییم و اندیشه‌های فقهی را نقد و ارزیابی کنیم. افکار خودمان را با اندیشه‌های دیگر فقیهان به کمال برسانیم و در راستای تکمیل همدیگر کوشش نماییم که خداوند متعال یاور و حامی متقین است، حامیان دین خود را کمک می‌کند و به مجاهدان در راه خودش، نصرت خواهد داد. خداوند، شهیدان مدافع سرزمینهای اسلامی را به عالی‌ترین جایگاه نزد خودت برسان و مجاهدان راه خودت را پیروز گردان و سرزمینهای اسلامی را از لوث وجود اشراک پاک گردان.

آمین یا رب العالمین